



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان در مفاد صحیحہ اُبی ولّاد بود ، شیخ انصاری(ره) اول فرمودند کہ مفاد حدیث بر قیمت یوم المخالفة و الغصب و الأخذ دلالت دارد ولی بعداً کم کم میل پیدا کردند به اینکه یوم التلف را میزان قرار بدهند لذا فرمودند کہ در حدیث شواهدی وجود دارد کہ یوم التلف میزان است ، یکی از آن شواهد این است کہ : « نعم، يمكن أن يوهن ما استظهرناه من الصحیحة بأنه لا یبعد أن یكون مبنى الحكم فى الروایة على ما هو الغالب فى مثل مورد الروایة من عدم اختلاف قيمة البغل فى مدّة خمسة عشر يوماً ، و يكون السرّ فى التعبير ب «یوم المخالفة» دفع ما ربما يتوهمه أمثال صاحب البغل من العوامّ : أن العبرة بقيمة ما اشترى به البغل و إن نقص بعد ذلك ؛ لأنّه خسره المبلغ الذى اشترى به البغلة » .

شیخ در ادامه دو مؤید نیز برای تقویت قیمت یوم التلف و از موضوعیت انداختن قیمت یوم المخالفة می آورد و اولاً می فرماید : « و يؤیّده : التعبير عن یوم المخالفة فى ذیل الروایة ب «یوم الاکتراء» فإنّ فیہ إشعاراً بعدم عناية المتکلم بیوم المخالفة من حیث إنّ یوم المخالفة . إلّا أن یقال : إنّ الوجه فى التعبير بیوم الاکتراء مع کون المناط یوم المخالفة هو التنبیه على سهولة إقامة الشهود على قیمته فى زمان الاکتراء ؛ لکون البغل فیہ غالباً بمشهد من الناس و جماعة من المُکارین ، بخلاف زمان المخالفة من حیث إنّ زمان المخالفة ، فتغییر التعبير لیس

لعدم العبرة بزمان المخالفة، بل للتنبیه على سهولة معرفة القيمة بالبینة کالیمین ، فى مقابل قول السائل : و من یعرف ذلك؟ ، فتأمل .

مؤید دومى که شیخ برای عدم موضوعیت یوم المخالفة و میزان بودن یوم التلف آورده این است کہ : « و يؤیّده أيضاً : قوله علیه السلام فى ما بعد ، فى جواب قول السائل : «و من یعرف ذلك؟» قال : «أنت و هو، إمّا أن یحلف هو على القيمة فیلزمک ، فإن ردّ الیمین علیک فحلفت على القيمة لزمه ، أو یأتى صاحب البغل بشهود یشهدون على أنّ قيمة البغل یوم اکتري کذا و کذا ، فیلزمک .. الخبر» ، (اشکال شیخ) : فإنّ العبرة لو کان بخصوص یوم المخالفة لم یکن وجه لکون القول قول المالك مع کونه مخالفاً للأصل ، ثمّ لا وجه لقبول بیئته ؛ لأنّ من کان القول قوله ، فالبیئة بیئة صاحبه .

خوب و اما اشکالی که به توجیهاً شیخ برای اثبات قیمت یوم التلف وارد است این است کہ ایشان برای اینکه روایت را توجیه کند و قیمت یوم التلف را اثبات کند مبدأ را یوم المخالفة گرفته کہ متفقٌ علیه است ولی منتهی را یوم التلف گرفته در حالی که اصلاً یوم التلف در روایت ذکر نشده و از طرفی خصم شما نیز ممکن است ، منتهی را یوم الأداء قرار بدهد و همین حرفها را بزند بنابراین این زحمتی که شما کشیده اید تا از حدیث یوم التلف را استنباط کنید بی فایده است و یوم التلف از حدیث در نمی آید تا اینکه آن را منتهی قرار بدیم و همین اشکال بر صاحب جواهر و حضرت امام(ره) و افراد دیگری که یوم التلف را از حدیث استفاده کرده اند وارد است ، بنابراین استفاده کردن ضمان یوم معین از

حدیث فی غایة الاشکال است چه یوم التلف و چه یوم الأداء و چه یوم المخالفة ، بلکه به نظر بنده حدیث فقط بر اصل به گردن آمدن ضمان دلالت دارد منتهی برای نحوه و کیفیت ضمان و جبران خسارت بوجود آمده باید به عرف و عقلاء مراجعه شود .

خوب و اما همانطور که عرض شد در این مسئله چندین قول وجود دارد که سید فقیه یزدی در ص ۵۰۱ از جلد اول حاشیه ای که بر مکاسب دارد در حاشیه شماره ۷۸۵ به این اقوال اشاره کرده .

خوب حالا ما باید ببینیم که مدارک و مبانی این اقوال چیست تا بعد یکی از آنها را اختیار کنیم که البته عرض کردیم که از صحیحه ابی ولاد بعد از جواب از کلام شیخ و صاحب جواهر و امام (ره) چیزی در نمی آید ، لذا ما باید به سراغ مبانی برویم .

حضرت امام (ره) در کتاب بیعشان جلد ۱ ص ۴۹۲ بحث را مبتنی بر معنای ضمان کرده و بعد چندین صفحه درباره معنای ضمان بحث کرده ، منتهی بنده خودم معتقدم که ضمان معنایش این است که ما باید طوری غرامت و خسارت را جبران کنیم و بپردازیم که مضمون له (مالک) نتواند بگوید که اگر عین مضمون در دست من بود بیشتر از اینها می توانستم از او استفاده کنم و نفع ببرم که این مطلب با زمان و مکان و عوامل دیگر نیز ارتباط دارد فلذا ما قائلیم که قیمت سوقیه را نیز ضامن است زیرا قیمت سوقیه در ارزش کالا خیلی مؤثر می باشد و حتی ممکن است کم کم به این مطلب برسیم که اعلی القیم در زمانهای مختلف میزان می باشد ، خلاصه اینکه حضرت امام (ره) فرموده که روایات ظاهرند در

اینکه عین در ذمه باقیست تا یوم الأداء و این یعنی اینکه قیمت یوم الأداء میزان می باشد و هذا حکم عقلائی لا عقلی ، و بعد ایشان روایات زیادی را در این رابطه (اثبات کون الشئ فی العهدة إلى یوم الأداء) ذکر کرده ، و سپس فرموده که این حرف ما به تنهائی نیست بلکه محقق خراسانی در حاشیه مکاسب ص ۳۷ و محقق یزدی در حاشیه مکاسب ص ۹۶ و همچنین صاحب هدایة الطالب نیز همین را گفته اند ، منتهی ایشان بعد از بحثهای مفصل و طولانی و اثبات اینکه : عین تا یوم الأداء در ذمه باقیست لذا قیمت یوم الأداء میزان است ، از این نظرشان برگشته اند و فرموده اند والتحقیق أن یقال : که ضمان معهود در اذهان عرف و عقلاء همان عهدہ دار شدن و جبران غرامت و خسارت بوجود آمده می باشد یعنی مضمون له (مالک) باید طوری غرامت و خسارت را از ضامن بگیرد که عرفاً بگویند که خسارت و غرامت جبران شده و پرداخت شده یعنی حکم عرف در اینجا میزان است فلذا تمام روایات مذکور به همین معنی حمل می شوند و بعد ایشان در آخر کلامشان می فرمایند به نظر قاصر ما این قول أقرب است و إن خالف ما مرَّ منَّا (که عین تا یوم الأداء در ذمه باقیست لذا قیمت یوم الأداء میزان است) .

خوب حالا ما در مقابل این اقوال و مبانی واقع شده ایم و باید یکی از این مبانی را اختیار کنیم و بعد طبق آن بگوئیم که قیمت چه وقتی میزان است که به نظر بنده اعلی القیم حرف بدی نیست ، بحث را مطالعه کنید تا فردا آن را ادامه بدهیم إن شاء الله تعالی ...